

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)

سال بیست و نهم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۰۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ / صفحات ۶۴-۴۳

مقاله علمی - پژوهشی

روش و بینش تاریخ‌نگاری گریگور یقیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل^۱

عباس پناهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

چکیده

اغلب گزارش‌هایی که مجاهدان جنگلی یا شاهدان این جنبش نوشته‌اند، از نظر نگرش و بینش به گونه‌ای در دسته‌بندی‌های موافق یا مخالف جنبش جنگل قرار دارند؛ درحالی‌که یقیکیان با وجود ارائه گزارشی دقیق و سنجیده مانند ناظری بیرونی حوادث جنبش جنگل را روایت می‌کند. تمرکز نوشته‌های یقیکیان بر جمهوری شورایی گیلان است. وی اغلب با دقت و بدون جانب‌داری خاصی، وقایع و حوادث جنبش جنگل را با روشی علمی بیان می‌کند. با این حال نشانه‌هایی آشکار از جانب‌داری به نفع انگلستان و سرزنش عثمانی و دولت‌های محور در نوشته‌های او دیده می‌شود. پرسش نوشتار این است: از منظر بینش و روش تاریخ‌نگاری، یقیکیان چه رویکردی به وقایع تاریخی جنبش جنگل داشته است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد یقیکیان به جهت ارتباط با طیف‌های گوناگون جنبش جنگل و دسترسی به اسناد و مدارک سری تا اندازه‌ای توانسته نسبت به سایر راویان جنبش جنگل گزارش‌های مستندی از این واقعه ارائه دهد. پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر کتاب شوروی و جنبش جنگل و سایر آثار یقیکیان در این زمینه به شیوه تحلیلی انتقادی در روش تاریخ‌نگاری صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: روش، بینش، تاریخ‌نگاری، جنبش جنگل، گیلان، یقیکیان.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2020.28981.1404

۲. دانشیار گروه تاریخ پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان: apanahi@guilan.ac.ir

مقدمه

پژوهش دربارهٔ بینش و روش یک تاریخ‌نگار و تحلیل چرایی و چیستی توجه وی به گزارش‌های تاریخی، تلاش و کوششی معرفت‌شناسانه در حوزهٔ علم تاریخ است. بدون شک و تردید این روش و نگاه در مطالعات تاریخی موجب تقویت مبانی نظری علم تاریخ و کوشش در جهت بررسی‌های تحلیلی و انتقادی در این حوزه می‌شود. لذا با توجه به گزارش‌های ضدونقیض فراوان دربارهٔ جنبش جنگل و حجم فراوان نوشته‌هایی که از زاویهٔ ایدئولوژی‌های گوناگون به این جنبش نگریسته شده است، بررسی و نقد تحلیلی نوشته‌های اصلی می‌تواند رهگشای نوشته‌ها و پژوهش‌های نوین در این حوزه باشد.

یقیکیان روزنامه‌نگار و نمایشنامه‌نویسی ارمنی است. در قلمرو تاریخ‌نگاری جنبش جنگل گزارش‌نویسی مهم در این واقعهٔ تاریخی به شمار می‌رود. وی گزارش‌هایی دقیق از حوادث و اتفاقات جنبش را در کتاب شوروی و جنبش جنگل ارائه می‌دهد. در نقد و تحلیل تاریخ‌نگاری یقیکیان می‌توان چنین برداشت کرد که از اهداف مهم پوشیده و پنهان وی در درجهٔ اول دشمنی با سیاست‌های عثمانی و متحدانش در گیلان و ایران است. به همین جهت سمت‌وسوی وی در برخی از گزارش‌ها با هدف تأثیرگذاری بر خواننده به ضدیت با این کشورها پیش می‌رود. با وجود نقش انگلیسی‌ها در تحولات جنبش جنگل و ایران، در نوشته‌های وی نشانی از ضدیت با انگلیسی‌ها دیده نمی‌شود. در مقایسه با گزارش‌های فخرایی و دیگران از جنبش جنگل، به دلیل اینکه یقیکیان به ماه‌های پایانی جنبش توجه بیشتر نشان داده است، گزارش وی اثری مهم در این زمینه است. ضعف گزارش یقیکیان، بی‌توجهی به وقایع پیش از ورود بلشویک‌ها به گیلان است، زیرا یقیکیان پیش از این زمان نیز در گیلان به سر می‌برد. مشخص نیست به چه دلیلی وی حوادث جنبش پیش از ورود بلشویک‌ها به گیلان را ننوشته است.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: یقیکیان چه رویکردی به وقایع تاریخی جنبش جنگل، از منظر بینش و روش تاریخ‌نگاری داشته است؟ با توجه به پرسش به نظر می‌رسد یقیکیان با توجه به حرفهٔ روزنامه‌نگاری خود سعی در ثبت گزارش‌های این جنبش داشته است، اما دشمنی وی با عثمانی و دولت‌های محور موجب شده است تا با وجود ادعای بی‌طرفی، با گرایش به انگلستان از منافع ملی ارمنی‌ها حمایت کند. هدف از پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل بینش و روش تاریخ‌نگاری یقیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل و تحلیل وقایع جنبش از منظر این نویسنده است.

در پژوهش حاضر برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، تلاش می‌شود با استفاده از روش تاریخی، به شیوهٔ تحلیلی انتقادی، دیدگاه‌ها و گزارش‌های یقیکیان در زمینهٔ جنبش جنگل

بررسی شود. نگارنده تلاش کرده است تا با استفاده درونی همدلانه، نگاه نویسنده را به حوادث و وقایع کشف و با پی‌بردن به اهداف نویسنده در متن و فحوای کلام وی، عمق معنا و اندیشه مورخ را تحلیل و ارزیابی کند.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه درباره وقایع جنبش جنگل خاطرات، اسناد و پژوهش‌های بسیاری منتشر شده است (پناهی، ۱۳۹۶: ۲۷۷-۲۵۵)، درباره تاریخ‌نگاری جنبش نوشته‌های محدودی به چشم می‌خورد. از میان نوشته‌های مربوط به تاریخ‌نگاری جنبش جنگل مقاله «تجزیه و تحلیل تاریخ‌نگاری جنبش جنگل»، عباس پناهی (۱۳۹۳: ۸۱-۷۱)، «جایگاه نهضت جنگل در تاریخ محلی گیلان»، ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۹۳: ۹۱-۸۱)، «نگاهی انتقادی به مهم‌ترین منابع و مأخذ جنبش جنگل»، ابوطالب سلطانیان (۱۳۹۳: ۳۶۳-۳۵۴)، یافت شد. همچنین دو اثر مأخذشناسی با عنوان «مأخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل»، عباس پناهی (۱۳۹۶) و «کتاب‌شناسی توصیفی جنبش جنگل، بهنام رضانی (۱۳۹۷) در این زمینه منتشر شده است. مهمترین اثر درباره جنبش جنگل، کتاب میلاد زخم، اثر خسرو شاکری (۱۳۸۶) است. شاکری رویکرد و دیدگاهی انتقادی به نوشته‌های یقینان دارد. با این حال، مبنای تحلیل شاکری در مطالب مربوط به جنبش جنگل، اسناد و گزارش‌های سیاسی بوده است. محمدحسین خسروپناه (۱۳۹۵) در کتاب «گریزگر یقینان و تأثیر وی بر سوسیال دموکراسی ایران» نیز به نقش وی بر تحولات فکری ایران و گیلان می‌پردازد، همچنین در مقدمه این کتاب، خسروپناه زندگی‌نامه مفصلی از یقینان ارائه می‌کند که نشان‌دهنده تأثیر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی او بر رویکردهای تاریخ‌نگاری‌اش دارد. در خاطرات جهانگیر سرتیپ‌پور (۱۳۹۷) به تأثیر یقینان بر روزنامه‌نگاری گیلان اشاره شده است. با وجود نوشته‌های پراکنده‌ای که درباره یقینان وجود دارد، بیشتر این نوشته‌ها به تحلیل دیدگاه یقینان اختصاص یافته است؛ از این رو در حوزه جنبش جنگل، درباره دیدگاه و روش تاریخ‌نگاری وی مطلب مهمی دیده نمی‌شود. همچنین اغلب نوشته‌ها و پژوهش‌های مربوط به جنبش جنگل به بررسی تحولات سیاسی، ایدئولوژیکی و سایر جنبه‌های این واقعه به شیوه روایی و گاه داستانی و حماسی نگارش شده است. در پژوهش حاضر نگارنده می‌کوشد تا ضمن تجزیه و تحلیل تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری یقینان پیش و روش وی، در نگارش وقایع مربوط به جنبش جنگل نقد و ارزیابی شود.

طرح بحث: پیش‌تاریخی و روش تاریخ‌نگاری

پیش از بررسی موضوع و نقد و تحلیل دیدگاه‌های یقینان درباره جنبش جنگل، باید نخست

نگرش وی به موضوع تاریخ و رویکردش به وقایع تاریخی بحث و بررسی شود. با وجود اینکه یقیکیان گزارشی دقیق از حوادث پایانی جنبش ارائه می‌کند، وی را نمی‌توان تاریخ‌نگار این حوزه به حساب آورد؛ زیرا یقیکیان بیش از اینکه وقایع‌نگار باشد، روزنامه‌نگار است. پیشه‌ای که وی در دوره پهلوی با انتشار روزنامه‌های گوناگون ادامه داده است. هم‌زمان با جنبش جنگل وی برخی از گزارش‌های مربوط به این واقعه را در روزنامه «زانگ» چاپ تبریز منتشر کرد؛ از این رو گزارش‌های وی دست اول، مستند و تا اندازه‌ای پذیرفتنی است. با وجود اینکه مؤلف دیدگاهی فلسفی و انتقادی درباره رویدادهای تاریخی جنبش جنگل ندارد، بسیاری از مؤلفه‌های آن را که حاکم بر جریان‌ها و وقایع تاریخی است، می‌پذیرد. در نتیجه از این منظر می‌توان درباره روش و بینش تاریخی وی درباره این واقعه بحث و گفت‌وگو کرد.

هدف از بررسی بینش و نگرش نویسنده در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های وی درباره علل وقوع رخداد‌های تاریخی این واقعه و نتایج حاصل از آن است. از دلایلی که موجب جذابیت گزارش‌های یقیکیان درباره جنبش جنگل می‌شود، این نکته است که وی همچون ناظر بیرونی این واقعه است. ارتباط او با روس‌ها، جنگلی‌ها، دولتی‌ها، انگلیسی‌ها و سایر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جنبش جنگل، موجب اعتبار نوشته‌هایش درباره این جنبش می‌شود. هنگامی که در پژوهش تاریخی از روش در تاریخ‌نگاری بحث می‌شود، منظور تبیین این مسئله است که مورخ به روشی سامانمند به توصیف و تحلیل رویدادها و نظم و منطق حاکم بر روابط بین پدیده‌های تاریخی پرداخته است (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۲). از این منظر یقیکیان را نمی‌توان تاریخ‌نگاری روشمند و انتقادی به شمار آورد؛ با این حال مطالب وی را می‌توان از زاویه روش‌شناسی، تحلیل تاریخی و سایر شاخص‌های تاریخ‌نگاری، جرح و تعدیل گزارش‌های تاریخی، گزینش و برجسته‌سازی روایت‌ها و وقایع نیز روش علمی گزاره‌های تاریخی بررسی کرد. تاریخ‌نگاری یقیکیان درباره جنبش جنگل با سایر آثاری که درباره این واقعه نوشته شده است، در دو محور با هم اختلاف دارند. نخست، روش علمی و تبیینی یقیکیان؛ نیز، تلاش وی در استفاده از روایات شفاهی، اسناد، گزارش‌های سیاسی و سایر داده‌هایی که موجب اهمیت اثر وی در نگارش حوادث ماه‌های پایانی جنبش جنگل شده است.

زندگی سیاسی یقیکیان و تأثیر مهاجرت بر اندیشه و افکار وی

گریگور یقیکیان از شخصیت‌های تأثیرگذار قفقازی بر اندیشه سیاسی، روزنامه‌نگاری و تئاتر گیلان و ایران است. براساس گزارش‌های موجود، یقیکیان در اواخر سده نوزدهم میلادی در

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ / ۴۷

ارمنستان غربی زاده شد (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۱۹). وی تحصیلات متوسطه را در استانبول و تحصیلات عالی را در ونیز ایتالیا گذراند (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ۳۴۳/۱). البته این ادعا مانند برخی از توضیحات او درباره زندگی‌اش جای تردید و تأمل دارد (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۱۹). زیرا یقین‌کنان در دسامبر ۱۸۹۶ هنگامی که شانزده ساله بود، از عثمانی به قفقاز مهاجرت کرد، اما پس از مشکلاتی که برای وی در استانبول ایجاد شد، نخست به تفلیس و پس از دو سال زندگی در این شهر، به باکو رفت، باکو در این زمان مرکزی برای تجمع تجاری و سیاسی ارمنیان تبدیل شده بود (همان: ۲۰). یقین‌کنان درباره علت مهاجرتش به قفقاز توضیح چندانی نداده و تنها به این نکته اشاره کرده است که علت مهاجرتش از استانبول به جهت فرار از حکومت عثمانی بوده است (یقین‌کنان، ۱۳۶۳: ۲۹۲). دهگان و شاکری که به دقت مراحل زندگی یقین‌کنان را بررسی کرده‌اند، مهاجرت او را حرکتی سیاسی می‌دانند (دهگان، ۱۳۶۳: ۵، ۶؛ شاکری، ۱۳۸۴: ۳۲۹، ۳۳۰). خسروپناه بر این باور است، یقین‌کنان در هنگام مهاجرت و قبل و بعد آن نیز عضو حزب یا گروه خاصی نبود تا به دلایل سیاسی مجبور به مهاجرت شود (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۰). به نظر می‌رسد علت واقعی مهاجرت یقین‌کنان جوان، جست‌وجوی کار و دستیابی به زندگی بهتر و رهایی از ستم و تبعیض بوده است که در امپراتوری عثمانی بر جامعه ارمنی اعمال می‌کرد (هویان، ۱۳۸۰: ۲۱). عضویت یقین‌کنان در حزب هنجاکیان که شاکری و دهگان به آن اشاره کرده‌اند، مربوط به بعد از مهاجرت او به قفقاز است (دلیر، ۱۳۹۴: ۴۵۳).

از اواخر سده نوزدهم میلادی، باکو مرکز جنب‌وجوش روشنفکران قفقازی بود (رواسانی، ۱۳۶۸: ۶۴، ۶۳؛ پناهی، ۱۳۹۳: ۶۶، ۶۵). ارامنه در بین این گروه‌ها جزء فعال‌ترین گروه‌های روشنفکری بودند (ترمیناسیان، ۱۳۷۱: ۱۲). سال‌ها بود که سه حزب آرمناکان (۱۸۵۵)، هنجاکیان (۱۸۸۷) و دانشناکتسوتیو (۱۸۹۰) فعالیت سیاسی چشمگیری داشتند (مانوکیان، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۷). در چنین فضای سیاسی و فکری بود که یقین‌کنان با فعالان این گروه‌ها مرتبط شد. یکی از رویدادهای مهم زندگی وی در باکو، آشنایی با نریمان نریمانوف در اواخر پاییز ۱۸۹۸م. است. این روابط بعدها در دوره جنگل موجب ارتباط جنگلی‌ها با نریمانوف می‌شود (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۲).

یقین‌کنان در سال ۱۹۰۲م. برای نخستین بار به گیلان سفر کرد. علت دقیق مهاجرت وی مشخص نیست (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۴). پس از ورود به گیلان، در رشت اقامت گزید و به آموزگاری در مدرسه مریمیان مشغول شد (طالبی، ۱۳۸۵: ۳۲). یقین‌کنان در این مرحله، مدت طولانی در گیلان نماند. وی به دلایلی نامعلوم در سال ۱۹۰۴م دوباره به باکو بازگشت. در این سال به حزب هنجاکیان پیوست و سه سال بعد، عضو کمیته مرکزی آن حزب شد (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۴).

یقیکیان برای بار دوم در اوایل پاییز ۱۲۸۹ خ / ۱۹۱۰م، بعد از چندین سال فعالیت‌های آزادی‌خواهانه که در باکو انجام داده بود، باکو را ترک و برای نمایندگی ویژه حزب هنگ‌چاکیان برای مدتی طولانی به گیلان مهاجرت کرد (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۷، ۲۸) و در انزلی اقامت گزید. وی پس از اقامت در انزلی به صف مخالفان نظام استبدادی پیوست. برخی از تاریخ‌نگاران یقیکیان را محرک مشروطه‌خواهان گیلان برای مقابله با محمدعلی شاه می‌دانند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۱۰۴۱). شاکری نیز به همکاری یقیکیان با سرگور اورژنیکیدزه پس از استبداد صغیر اشاره می‌کند (شاکری، ۱۳۸۴: ۲۳۰). اما براساس یادداشت‌های یقیکیان، نخستین ملاقات وی با اورژنیکیدزه هم‌زمان با خروج وی از ایران در نوامبر ۱۹۱۰ در انزلی بوده است (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۳۴-۴۲۸). ورود یقیکیان به انزلی هم‌زمان با تلاش شعبه حزب هنگ‌چاک در انزلی بود. فعالان این حزب به‌ویژه سیمون سیمونیان آموزگار و دیگران توانستند چند نفر از جوانان غیر ارمنی انزلی و رشت مانند غلام‌حسین خان محمد، ابوالفضل خان، ابوالقاسم رضازاده را با سوسیال‌دموکراسی آشنا و جذب کنند (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۲۹).

تحلیل چرایی سیاست بی‌طرفی یقیکیان در برابر جنبش جنگل

یقیکیان درحقیقت از نخستین گزارش‌نویسان جنبش جنگل به‌شمار می‌رود. علت تدوین وقایع این جنبش علاوه بر دیدگاه‌های خاص سیاسی وی، ریشه در پیشه خبرنگاری او داشت. به‌طوری‌که در سال ۱۳۰۰ در ده شماره روزنامه «ستاره ایران» مقالاتی با عنوان «هفته ماه انقلاب در گیلان» را نگاشت و بعدها با استفاده از اسناد و مدارک بیشتر بین سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ در روزنامه «ایران کنونی» مباحث کامل‌تری از وقایع جنبش را منتشر کرد (دهگان، ۱۳۶۳: سه). یقیکیان در این نوشته علاوه بر روایت وقایع جنبش جنگل، با رویکردی تحلیلی و انتقادی، در حقیقت عقاید و آرمان‌های خود را نیز در نوشته‌هایش بیان کرده است. وی هرچند خود را ناظری بی‌طرف در جنبش می‌داند، اما از میان نوشته‌هایش می‌توان به چرایی بی‌طرفی وی در این حوادث پی برد.

در تحلیل اندیشه‌های یقیکیان سه شاخص عمده وجود دارد که نشان‌دهنده آرا، عقاید و دیدگاه‌های وی بوده و این دیدگاه‌ها به نوعی نیز با جنبش جنگل پیوند خورده است: ۱. سیاست دشمنی با عثمانی و هیئت اتحاد اسلام؛ ۲. جانبداری از انگلیس به منظور جلب نظر بریتانیا و استفاده از توانایی‌های این کشور برای تضعیف عثمانی؛ ۳. دشمنی با بلشویک‌ها، به جهت تعارض تمایلات انترناسیونالیسم و حذف ملیت‌های تحت سلطه روسیه تزاری با آرمان‌های ملی‌گرایانه یقیکیان. جنگلی‌ها در مرحله دوم جنبش جنگل به‌ویژه در دو سال پایانی

آن به بلشویک‌ها یعنی از ۲۸ اردیبهشت ۱۸/۱۲۹۹ مه ۱۹۲۰، با ورود بلشویک‌ها به گیلان به آنها گرایش یافتند (گنیس، ۱۳۸۵: ۸، ۷؛ عظیمی، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۶). بلشویک‌ها اساساً مخالف ملت‌گرایی بودند و این مسئله در تعارض اندیشه‌های ملی‌گرایی یقیکیان و حزب هنجاک بود؛ زیرا تشکیل جمهوری شورایی سوسیالیستی ایران به رهبری میرزا کوچک‌خان در ۱۴ خرداد ۱۲۹۹ / ۴ ژوئن ۱۹۲۰ به معنای حذف آرمان‌های مشروطیت، در تعارض با دولت مرکزی و برقراری نظام کمونیستی در ایران بود. خسروپناه نیز بر این مواضع سرسختانه یقیکیان در برابر عثمانی‌ها، بلشویک‌ها و حمایت از انگلیسی‌ها تأکید می‌کند (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۴۶) البته خسروپناه با تکیه بر تحلیل مقاله‌های یقیکیان در روزنامه «ایران‌کنونی» معتقد است علاوه بر مطالب یادشده، از دیدگاه یقیکیان انقلاب مشروطه جریانی شکست‌خورده بود که تکیه‌گاهی جز نیروهای فئودالی نداشت. از نظر وی جنبش جنگل به دنبال احیا چنین نظامی بوده که از پیش محکوم به شکست بوده است (همان: ۴۶، ۴۵) البته این دیدگاه و تحلیل خسروپناه را می‌توان نقد کرد؛ زیرا دلیل اصلی همراهی نکردن یقیکیان با جنگلی‌ها ریشه در تفکرات ملی‌گرایی او داشت. از دیدگاه یقیکیان هر جریان سیاسی و نظامی که مروج انترناسیونالیسم و شکست پروسه ملت‌گرایی ارمنیان بوده، مخالف اندیشه‌ها و آراء وی شمرده می‌شد. از این منظر وی در ظاهر نظاره‌گر جنبش شده و در عمل در برابر نقشه‌های جنگلی‌ها حرکت می‌کرد. در تحلیل کلی نوشته‌ها و یادداشت‌های یقیکیان درباره جنبش جنگل اساس بررسی و نقد تاریخ‌نگاری وی را باید با تکیه بر این سه شاخص یادشده ارزیابی کرد. با این حال یقیکیان روزنامه‌نگاری چیره‌دست بود و در گفتارهای خود تلاش می‌کرد تا با مهارت خویش، خواننده را با خود همراه کرده و از اظهارنظرهای مستقیم خودداری کند.

یقیکیان و نگرش وی به سیاست‌های انگلستان و شوروی

با توجه به رفتار سیاسی یقیکیان و اسناد و نوشته‌هایی که از وی برجای مانده است، شک و تردیدی نیست که وی برای اهداف ملی‌گرایانه خود پنهانی روابط گرمی با کنسولگری انگلستان در رشت برقرار کرده است. هرچند این نکته تاکنون پوشیده مانده است، با بررسی تطبیقی نوشته‌های وی با اسناد سیاسی انگلستان این نکته آشکار شده است. یقیکیان برای برجسته‌کردن نقش بلشویک‌ها در امور گیلان، گزارش‌های دقیقی از نحوه مناسبات بلشویک‌ها با جنگلی‌ها ارائه می‌دهد. به روایت یقیکیان، سیاست‌های بلشویک‌ها در برابر جنگلی‌ها از دلایل عمده شکست جنبش جنگل بوده است.

یقیکیان در ماه‌های پایانی جنبش جنگل و در گرماگرم تبلیغات بلشویک‌ها در گیلان، در

سخنرانی‌هایی به طرفداری از سیاست انگلستان پرداخت. متأسفانه به جهت فقدان گزارش‌های سیاسی از جزئیات سخنرانی‌های یقیکیان در رشت و رویکردهای وی آگاهی چندانی در دست نیست. به گزارش معاون کنسول انگلستان در شهر رشت در سپتامبر ۱۹۱۹م. مأموری مخفی با دیدگاه‌های ظاهراً سوسیالیستی در خصوص توافق انگلستان و ایران (قرارداد ۱۹۱۹) سخنرانی‌های متعددی ارائه کرد (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۴۸). به گزارش همین مأمور، شخص یادشده در همان هفته دو یا سه سخنرانی در انزلی هم ایراد کرد (همان). خسروپناه می‌نویسد، بعضی از منابع احتمال می‌دهند این شخص یقیکیان بوده است. براساس نامه ۲۳ مهر ۱۲۹۷/ ۱۴ اکتبر ۱۹۱۸م. سرپرسی کاکس به نمایندگی از دولت انگلستان به یقیکیان بابت پنج‌شش ماه کار در سال ۱۹۱۸، ۱۷۰ لیر عثمانی پرداخت کرد، اما یقیکیان آن را کافی ندانست و برای خدماتش تقاضای پول بیشتری کرد (همان). اگرچه آگاهی همه‌جانبه از عملکرد یقیکیان در دوره جنبش جنگل مستلزم دستیابی به اسناد و مدارک مربوط به او در بایگانی وزارت امور خارجه انگلستان است، اندک اطلاعات موجود نیز حاکی از آن است که فعالیت‌های یقیکیان در ارتباط با دولت انگلیس در ایران محدود به سخنرانی و نوشتن مقاله نبود. به نظر می‌رسد، فعالیت به نفع انگلستان بخشی از کارهای وی در گیلان بوده است.

یقیکیان برای اجرای اهداف خود تلاش کرد تا خود را به کوچک‌خان نزدیک کند. در نتیجه اعتماد میرزا به وی، در اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۷ / مه ۱۹۱۸ یقیکیان در نقش مترجم همراه ابوطالب‌خان عرفانی، نماینده میرزا کوچک‌خان، به باکو اعزام شد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۱۵؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۹۶). مأموریت اصلی میرزا ابوطالب‌خان تحویل اسلحه و مهمات از دولت بلشویکی باکو به ریاست استپان شائومیان بود. اما این مسافرت به جهت اوضاع حاکم بر منطقه قفقاز و امکانات دولت بلشویکی باکو به نتیجه نرسید (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۱۹؛ گیلک، همان: ۹۷-۹۶). به نظر می‌رسد این سفر یقیکیان در ظاهر برای پیشبرد منافع جنگلی‌ها بوده است، درحالی‌که گزارش سفر وی به کنسولگری انگلستان نشان می‌دهد وی برای انجام مأموریت سیاسی انگلیسی‌ها و با هدف جمع‌آوری گزارش‌های سیاسی آنان به باکو سفر کرده است؛ زیرا یقیکیان در بازگشت به رشت، از جریان ملاقات‌ها و مذاکرات میرزا ابوطالب‌خان عرفانی با شائومیان به کنسولگری انگلستان گزارش مفصلی ارائه داد و در برخی زمینه‌ها، قضایا را به نفع خود تحریف کرد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۲۱؛ گیلک، همان: ۹۸). یقیکیان به صورتی ماهرانه درباره نقش خود در این سفر اغراق می‌کند؛ درحالی‌که وی جز اینکه منشی و مترجم گروه اعزامی بوده، مأموریت دیگری بر عهده نداشته است. گیلک نیز سِمَت یقیکیان در این مأموریت را تنها «همراه گروه اعزامی» یاد می‌کند و مطلب بیشتری درباره وی ارائه نمی‌دهد. در حقیقت رئیس

هیئت اعزامی میرزا ابوطالب‌خان بوده است (گیلک، همان: ۹۹-۹۶). یقینان در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ مهر ۱۲۹۷ / ۱۴ اکتبر ۱۹۱۸ خطاب به سرپرسی کاکس برای برجسته نشان‌دادن نقش خود و خدماتش به دولت انگلستان و اقداماتش در سفر به باکو می‌نویسد: «نقش مؤثری در قطع همکاری نظامی بین جنگلی‌ها و بلشویک علیه انگلستان ایفا کرده و به‌ویژه شائومیان را متقاعد ساخت که از دادن اسلحه مورد درخواست جنگلی‌ها خودداری کند» (شاکری، ۱۳۸۶: ۵۸۷). این ادعای یقینان جای تعجب دارد، زیرا یقینان اعتبار و موقعیتی نزد شائومیان و بلشویک‌ها نداشت تا بتواند چنین کاری انجام دهد. در واقع ندادن اسلحه و مهمات به جنگلی‌ها ناشی از موقعیت متزلزل دولت بلشویکی باکو بود. از سوی دیگر ادعای سفر وی به باکو به نمایندگی از میرزا جای تردید دارد، زیرا با وجود نزدیکی وی به جنبش، یقینان دارای موقعیتی سیاسی یا نظامی در جنبش نبوده است که میرزا به او اعتماد کند و برای اعزام چنین مأموریت مهمی در نظر گرفته شود. این ادعا در منابع دیگر نیامده است. تنها وظیفه وی در این مأموریت، مترجم گروه اعزامی بوده است.

در کارنامه یقینان مطالب متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده پیوند گسترده وی با انگلیسی‌هاست. از جمله اینکه، ادعای ایفای نقش وی در آزادی مک‌لارن، کنسول انگلیس در گیلان و اوکشات رئیس بانک شاهی در رشت است (شاکری، ۱۳۸۶: ۵۸۸). در اسفندماه ۱۲۹۶، جنگلی‌ها آنها را دستگیر و به جنگل منتقل کردند (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۱۳). نقش یقینان در این ماجرا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. شاید یقینان با واسطه‌هایی در فرار این مأمور انگلیسی دخالت داشته است. اما این مسئله همانند سایر حوادث و وقایع مرتبط با انگلیسی‌ها در ایران، درباره آن اسناد و مدارک معتبری وجود ندارد.

یقینان برای اینکه به‌نوعی رهبر جنبش جنگل را با دیدگاه خود نسبت به طرفداری از انگلستان همسو نشان دهد، در یکی از گزارش‌های خود با زیرکی کوچک‌خان را با انگلیس پیوند می‌دهد و می‌نویسد کوچک‌خان با نمایندگان دولت انگلستان روابطی دوستانه داشت و همچنین اضافه می‌کند، دولت ایران به وساطت انگلیس‌ها خودمختاری کوچک‌خان را به رسمیت شناخته به او اجازه دادند برای حفظ امنیت آن نواحی گروه‌های مسلحی داشته باشد، حتی دولت مرکزی تهران کمک نقدی هم به منظور اداره امور فومنات به کوچک‌خان ارائه می‌کرد (همان: ۴۲۹). این گزارش یقینان از پایه و اساس نادرست است؛ زیرا یکی از انگیزه‌های اساسی جنبش جنگل مبارزه با نفوذ روسیه و انگلستان در ایران بود. وی بر آن بود تا نوک پیکان بیگانه‌ستیزی جنگلی‌ها از انگلستان را به سوی وثوق‌الدوله برگرداند (همان: ۴۵۲). بعدها چپ‌گرایان جنبش جنگل با کودتا چنین اقدامی را علیه کوچک‌خان صورت دادند، اما

این حرکت کمونیست‌های جنبش به کلیت آن مصداق داده نمی‌شود. به نظر می‌رسد هدف یقیکیان از این تحلیل، نمایاندن و برجسته‌کردن نقش شوروی در تحولات جنبش جنگل بوده است. با وجود تمایل یقیکیان به انگلیسی‌ها، خسروپناه این حرکت یقیکیان را تعبیر به جاسوسی به نفع آنان نمی‌داند (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۵۲-۴۷)، اما از سوی دیگر با اتکا به نوشته‌های یقیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل، روزنامه «ایران کنونی»، «زانگ» و دیگر روزنامه‌ها، وی را شخصیتی معرفی می‌کند که به اطلاعات و داده‌های سرّی انگلستان در ارتباط با جنبش جنگل دسترسی داشته است. بر پایه این گزارش‌ها و با تحلیل و نقد نوشته‌های یقیکیان می‌توان به این نتیجه رسید، وی با وجود اینکه به اخبار جنگلی‌ها دسترسی داشته است که ساده‌لوحانه در اختیارش قرار می‌دادند، اما مطالب سرّی را درباره نقش انگلستان در جنبش جنگل ارائه نمی‌دهد یا اینکه به آنها دسترسی نداشته است. این موضوع نشان می‌دهد که انگلیسی‌ها بدون اینکه اخباری در اختیار وی قرار داده باشند، تنها از گزارش‌های مخفی او از جنگلی‌ها سود می‌جستند.

با مطالعه گزارش‌های یقیکیان درباره جنبش، مخاطب این‌گونه اقناع می‌شود، یکی از دلایل شکست جنبش جنگل، سیاست‌های بلشویک‌ها در گیلان بوده است. یقیکیان در یکی از گزارش‌های خود می‌نویسد، بلشویک‌های ایرانی با خودرایی تمام سعی در جلب نظر بلشویک‌های روسی داشته و این مسئله موجب دو دستگی در جنبش شده است. آنها [جناب کمونیست جنبش] در کارهایشان از هیچ مقام روسی مقیم ایرانی اطاعت نمی‌کردند و هر روز در سبزه میدان رشت میتینگ برگزار می‌کردند و روزبه‌روز در میان جوانان و نظامیان نفوذ می‌یافتند. این فعالیت‌هایشان باعث نفاق و اختلاف میان مجاهدین می‌شد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۱۰). وی حتی کودتای ۷ مرداد ۱۲۹۷ علیه کوچک‌خان را به نمایندگان شوروی منتسب می‌کند و می‌نویسد، سران حزب کمونیست و احسان‌الله‌خان کودتای حزب کمونیست ایران را در رشت ترتیب دادند. کودتا به رهبری بلومکین و بنابر حکم میکویان و مدیوانی رخ داد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۵۰) سران حزب در صدد نابودی میرزا یا برکناری او از حکومت انقلابی گیلان بودند. این نوع گزارش‌ها در یادداشت‌های یقیکیان در اشارات متعدد به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد یقیکیان علاوه بر تعهد بر تاریخ‌نگاری، تلاش داشت تا نقش ناکامی‌های جنگلی‌ها را به بلشویک‌ها منتسب کند. زیرا دولت شوروی و نمایندگان حزب کمونیست ایران علاوه بر کارشکنی در برابر کوچک‌خان با تبلیغات ضد مذهبی، تبلیغ مرام اشتراکی، تفکر ضد سرمایه‌داری و بورژوازی از یک‌سو و اقدامات کوتاه‌بینانه موجب تشدید تنفر عمومی از جنگلی‌ها و وازدگی مردم از جنبش و ادامه آن شدند. به نحوی که پس از حرکت قوای دولتی

به‌سوی گیلان، جنبش به جهت نفاق‌های درونی ناشی از عملکرد بلشویک‌ها پس از واقعهٔ ملاسرا خود در سرایشی سقوط قرار گرفت. سلطان‌زاده و کمونیست‌ها این واقعه را به میرزا نسبت می‌دهند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۹). یقیکیان به این موضوع واکنشی نشان نمی‌دهد، اما گیلک به تفصیل دربارهٔ این واقعه و نتایج آن بر خاموشی جنگل سخن می‌گوید (گیلک، ۱۳۷۱: ۴۹۴، ۴۹۳).

مواضع یقیکیان در برابر عثمانی

با مطالعه و تحلیل متن یادداشت‌های یقیکیان می‌توان به‌راحتی دیدگاه ضد عثمانی یقیکیان را ارزیابی کرد. از نظر سیاسی و فکری یقیکیان، ارمنی ملی‌گراست و برای نجات ملت خود از سلطهٔ عثمانی حاضر به همکاری با هر کشوری است. با وجود اینکه یقیکیان در جوانی در استانبول زندگی و تحصیل کرد، این مسئله موجب کنار گذاشتن دشمنی وی با عثمانی نشد. بلکه با عزمی راسخ مبارزات خود را در برابر عثمانی پس از پیوستن به حزب هنجاک شدت بخشید.

یقیکیان در نوشته‌های خود تنفر و صف‌ناشدنی‌اش را از عثمانی و اعضای هیئت اتحاد اسلام بازگو می‌کند و از هر روشی جهت بیان ناکارآمدی‌شان استفاده می‌کند. برای مثال: «در مراجعت از باکو، نریمان نریمانوف از وی می‌خواهد که از میرزا کوچک بخواهد که افسران عثمانی، آلمانی، اتریشی را از جنگل بیرون کند. به عقیدهٔ وی جنگیدن همراه آنها بر ضد انگلیس‌ها برای ایران سودی ندارد. هرکس می‌داند که توسعهٔ نفوذ انگلیس‌ها در ایران، هزار بار سودمندتر از توسعهٔ نفوذ عثمانی‌ها است. یقیکیان استدلال می‌کند عثمانیان برای نابودی استقلال و هستی و تمامیت ایران می‌کوشند و مردم را می‌چاپند و غارت می‌کنند؛ برعکس، انگلیسی‌ها فقط خواهان نفوذ اقتصادی هستند» (همان: ۴۲۱). به نظر می‌رسد مطلب اشاره‌شده، دیدگاه شخصی یقیکیان است که در آن زمان دربارهٔ عثمانی و متحدانش نظر خوبی نداشت. علت وابستگی و تمایل او به سیاست‌های انگلستان ناشی از تنفر از عثمانی بوده است. وی می‌پنداشت شاید گرایش ارمنی‌ها به انگلستان موجب نجات کشورشان از عثمانی شود. در گزارش‌های دیگری نیز به صورت پوشیده و پنهان یقیکیان سعی دارد با نشان دادن ناکارآمدی هیئت اتحاد اسلام دشمنی خود را با عثمانی آشکار کند (همان: ۲۵). یکی از نشانه‌هایی که ثابت می‌کند یقیکیان در تحولات جنبش جنگل گام‌به‌گام حوادث و رویدادهای مربوط به عثمانی و هیئت اتحاد اسلام را دنبال می‌کند، مسئلهٔ ورود بلشویک‌ها به آستارای ایران و تضعیف و سپس انحلال هیئت اتحاد اسلام است که در سایر منابع عصر جنبش به آن اشاره نشده است. با

اینکه ورود بلشویک‌ها را اغلب گزارش‌های این دوره تأیید کرده است (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۲۹؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۲۶۵)، این نکته ظریف که یقیکیان به آن اشاره کرده است، دیگران نخواسته‌اند به آن بپردازند. پیامد این واقعه انحلال هیئت اتحاد اسلام در جنبش بوده است (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۳۰)؛ زیرا از اردیبهشت ۱۲۹۸ با ورود بلشویک‌ها به گیلان عملاً موجودیت هیئت اتحاد اسلام از بین رفت. تضعیف موقعیت عثمانی‌ها در قفقاز پس از هجوم دنسترویل به باکو (دنسترویل، ۱۳۶۲: ۶۷) انحلال هیئت اتحاد اسلام به جهت ورود بلشویک‌ها به گیلان خوشحالی و شعف یقیکیان از تضعیف موقعیت عثمانی در جنبش را فراهم آورد.

منابع استفاده‌شده یقیکیان در ننگارش یادداشت‌های جنبش جنگل و شوروی

یادداشت‌های یقیکیان از جنبش جنگل بیانگر اشراف وی بر حوادث و رویدادهای این واقعه تاریخی است. اغلب گزارش‌هایی که درباره جنبش ننگارش شده‌اند، بر پایه خاطرات بازیگران جنبش جنگل بوده است. این نوشته‌ها از دریچه و زاویه دید موافق یا مخالف ننگارش شده‌اند. درحالی‌که یادداشت‌های یقیکیان با استفاده از منابع گوناگون نوشته شده است. با استناد به گزارش‌های یقیکیان می‌توان منابع استفاده‌شده وی را چنین برشمرد: ۱. مشاهدات نویسنده، ۲. روزنامه‌های روسی، ۳. روزنامه‌های ارمنی، ۴. منابع انگلیسی، ۵. ارتباط با شخصیت‌های منتفذ درگیر در جنبش، ۶. اسناد آرشیوی و گزارش‌های سیاسی و منابع پراکنده دیگر. یقیکیان با اینکه در جنبش مشارکت نداشت، کم‌وبیش از رویدادها، تحولات و مسائل پنهان و آشکار جنبش جنگل باخبر بود (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۲). یقیکیان مدعی است با طرفداران جناح‌های مختلف سیاسی در رشت ارتباط داشته است. وی در این باره می‌نویسد: «منزل و حیاط خانه‌ام در ایام انقلاب نقش کلوب را بازی می‌کرد. هر روز از ساعت هفت صبح تا دوازده شب، مردم طرفدار سلطنت، دموکرات، انقلابی، کمونیست، روحانی، مالک، کاسب، تاجر، کارگر، مجاهد، سرباز، افسر، مسلمان، ارمنی، یهودی، گرجی و روسی برای ملاقات و صحبت با من فرد فرد یا به صورت دسته‌های کوچک می‌آمدند... و از اخباری که داشتند مرا مطلع می‌ساختند» (همان: ۷). از آن جایی که تنها منبع موجود درباره روابط و گفت‌وگوهای یقیکیان با رهبران جنبش جنگل و مقامات شوروی خاطرات یقیکیان است، به طور قطع و یقین نمی‌توان صحت و سقم ادعاهای او را آشکار کرد. اظهار نظر او درباره ارتباط وی با مأموران عالی‌رتبه شوروی جهت نشان‌دادن اهمیت نقش وی در مناسبات جنگلی‌ها با روس‌ها بوده است. بنابر یادداشت‌های او و برداشتی که از آنها می‌شود، می‌توان به این نتیجه رسید که روس‌ها نه تنها به او اعتماد نداشتند، بلکه به او بدگمان نیز بودند. این نکته در گزارشی که وی

در ارتباط با تذکر احسان‌الله‌خان از طرف مقامات شوروی به وی داده شده، آمده است (همان: ۳۵۱-۳۵۰). مشخص است که انقلابیان روسی، یقیکیان و فعالیت‌هایش را به‌دقت زیر نظر داشتند و به او مشکوک بودند. روس‌ها به این باور رسیده بودند که یقیکیان با انگلیس‌ها ارتباط‌هایی برقرار کرده است، اما مدرکی برای اثبات آن در اختیار نداشتند. یقیکیان در نقش مترجم رسمی کنسولگری انگلستان برای آنها خدمات ترجمه ارائه می‌داد. علاوه بر انگلیسی‌ها کم‌وبیش همین خدمات را نیز برای جنگلی‌ها انجام می‌داد. در نتیجه طی ردوبدل شدن گزارش‌ها و موضوعات گوناگون اطلاعات جامعی از وقایع جنگل به دست آورد و از آنها در نگارش کتاب خود سود جست. همین‌که وی برخی از گزارش‌ها را به‌صورت مخفیانه در روزنامه ارمنی‌زبان «زانگ» تبریز منتشر می‌کرد^۱ (واساکونی، ۱۳۹۷: ۱۲)، نشان‌دهنده محرمانه‌بودن اطلاعاتی است که وی به آنها دسترسی داشته است.

دقت یقیکیان در ثبت گزارش‌های تاریخی جنبش جنگل

یکی از ویژگی‌های یقیکیان در تاریخ‌نگاری جنبش جنگل که در سایر منابع این جنبش دیده نمی‌شود، دقت او در ثبت گزارش‌های تاریخی است. با مراجعه به خاطرات و نوشته‌هایی که از جنگلی‌ها برجای مانده است، می‌توان آشفتگی در نقل حوادث تاریخی را به‌وفور در آثارشان مشاهده کرد. کتاب سردار جنگل فخرایی با وجود جایگاهی که بین آثار مربوط به جنبش به خود اختصاص داده است، علاوه بر لغزش‌های فراوان تاریخی دقت گزارش‌های یقیکیان را ندارد. یکی از دلایل اهمیت نوشته‌های یقیکیان از نظر دقت در ثبت گزارش‌های تاریخی به پیشه وی باز می‌گردد. یقیکیان پیش از وقوع جنبش جنگل و پس از آن روزنامه‌نگار بود؛ در نتیجه نگارش خاطرات جنگل و ثبت وقایع آن بخشی از زندگی حرفه‌ای او محسوب می‌شد. وی حتی هم‌زمان با رویدادهای جنبش، بخشی از وقایع جنبش که ممکن بود انتشار آن برای وی مشکلاتی به وجود آورد، در روزنامه «زانگ» ارمنی‌زبان چاپ تبریز منتشر کرد؛ از این‌رو چاپ هم‌زمان وقایع جنبش جنگل موجب ثبت دقیق وقایع مربوط به این حادثه تاریخی شده است.

از شخصیت‌های سال‌های واپسین جنبش که تنها یقیکیان به آن توجه داشته است، گائوک است (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۶۰-۶۵). متأسفانه به جهت اینکه در سایر نوشته‌های مربوط به جنبش جنگل یا اشاره‌ای به گائوک نمی‌کنند یا تنها گزارش‌هایی مختصر درباره حضور وی در جنبش

۱. یقیکیان مقالات خود را درباره جنبش جنگل در نشریه زانگ با نام مستعار و. واساکونی (v.vasakoni) منتشر می‌کرد (واهانیان، ۱۳۹۷: ۱۳).

جنگل ارائه می‌شود،^۱ این فرد هنوز پس از نزدیک به یک سده از خاموشی جنبش، از شخصیت‌های کمتر شناخته‌شده جنبش به شمار می‌رود. حتی کتابی که شهرستانی درباره گائوک منتشر کرده است، آگاهی درخور توجه‌ای درباره شخصیت و عملکرد وی دیده نمی‌شود (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۷-۵). البته سرتیپ‌پور در خاطراتش به گائوک اشاره می‌کند (سرتیپ‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵). مهرداد نیز با تحقیق درباره گائوک به این نتیجه رسیده است که تنها گزارش مفصل درباره گائوک را یقیکیان ارائه داده است (گنیس، ۱۳۸۵: ۶۵). به نظر می‌رسد به جهت منابع اطلاعاتی‌ای که یقیکیان از آن سود می‌جسته است، توانسته گزارش‌هایی درباره گائوک و نقش وی در جنبش ارائه کند.

بیان علی و واقع‌بینانه روایت‌های تاریخی

یقیکیان در پردازش و روایت گزاره‌های تاریخی خود درباره حوادث تاریخی جنبش جنگل با توجه به اینکه نویسنده‌ای زبردست و دقیق بوده است، تنها به ارائه گزارش‌های خشک تاریخی و رویدادهای مربوط به آن بسنده نکرده است. وی تلاش داشت تا همانند روزنامه‌نگاران تحقیقی با انسجام و پیوستگی مطالب، جرح و تعدیل روایت‌ها و گزارش‌ها، به توصیف واقع‌بینانه و علی روایت‌های تاریخی پردازد، از این منظر وی را می‌توان پیشگام روزنامه‌نگاران پژوهشی امروز به شمار آورد. یقیکیان از آغاز تا پایان نوشته خود برخلاف سنت تاریخ‌نگاری آن دوره ایران، با رویکردی تحلیلی وقایع جنبش را دنبال کرده است. در متن یادداشت‌ها، وی با آنکه شاهد اغلب جریان‌ها و حوادث بوده، تلاش دارد تا با شیوه پرسشگری حوادث روی داده را به چالش بکشد و نتایج حاصل از آن را تحلیل و ارزیابی کند. به‌طورمثال اختلاف‌هایی که در نتیجه تداخل قدرت نیروهای سرخ شوروی و مأموران دولت شاهنشاهی ایران و قوای جنگل در رشت ایجاد شده بود، به چالش کشیده و به طرح پرسش‌هایی به دنبال نتایج حاصل از این دخالت‌ها در فرجام جنگل پرداخته است (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۳، ۷۲).

با آنکه یقیکیان در ارائه گزارش‌های خود با ظرافت روزنامه‌نگاری حرفه‌ای به دنبال اهداف سیاسی خاص به‌ویژه طرفداری از انگلستان و نیز اهداف و آرزوهای حزب‌های کوچک بود، شیوه روایتگری او تحقیقی و تحلیلی است. وی از هر منبع موثقی گزارش‌ها را دریافت و پس از

۱. یکی از مفصل‌ترین آثار درباره جنبش جنگل، تاریخ انقلاب جنگل گیلک است. گیلک نیز تنها در چند صفحه به جهت تقارن حضور گائوک به همراه کوچک‌خان از وی نامی می‌برد، اما به نقش وی در جنبش نمی‌پردازد (ن. ک. گیلک، ۳۶۹-۳۶۱)؛ در خاطرات محمدحسین صبوری دیلمی نیز نامی از گائوک دیده نمی‌شود. در کتاب *تاریخچه میرزا کوچک خان* اثر بحر العلوم قزوینی تنها به مرگ گائوک اشاره می‌شود (بحر العلوم قزوینی، ۱۳۹۶: ۴۲) جالب اینکه در خاطرات حیدرخان عمواعلی (۱۳۹۸) نیز اشاره‌ای به گائوک نمی‌شود.

تحلیل آنها روایت درست را دربارهٔ یک واقعه و حادثه برای نگارش انتخاب می‌کرد. از ویژگی‌های متمایز یقیکیان در مقایسه با سایر روایان جنبش جنگل ارائهٔ چستی وقایع مربوط به این جنبش است. این نگرش به عقیدهٔ استنفورد، نشان‌دادن چستی وقایع از نکات برجسته و شایستهٔ تأمل در تبیین گزاره‌های تاریخی نویسنده به شمار می‌رود (استنفورد، ۱۳۸۲: ۳۳۴). در نتیجه یقیکیان را نمی‌توان همانند فخرایی و دیگران روای صرف وقایع جنگل دانست. به عقیدهٔ فخرایی که وی نیز از تاریخ‌نگاران مشهور جنبش جنگل به شمار می‌رود، شیوهٔ یقیکیان در تاریخ‌نگاری ایران، تحلیلی است (سپانلو، ۱۳۸۷: ۲۰۸). سایر روایان جنگل به جهت مشارکت در این جنبش از حافظهٔ خود استفاده کرده و به ارائهٔ خاطراتشان، اغلب با اشتباهات فاحش تاریخی، نگارش می‌کردند. برخی از خاطرات جنگلی‌ها نظیر یادداشت‌های حاج احمدکسمایی نوعی مانیفست این شخصیت در بیان عملکردش در جنبش جنگل است (کسمایی، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۰). کتاب *معین‌الرعا یا آلیانی* را که شاپور آلیانی نوشته است نیز در همین مسیر قرار دارد (آلیانی، ۱۳۷۵: ۹-۵). اما یقیکیان به جهت اینکه حرفهٔ روزنامه‌نگاری داشت، رویکردی انتقادی و جست‌وجوگر در گزارش‌های خود دنبال می‌کرد و تلاش داشت علاوه بر ارائهٔ گزارش‌های تاریخی به بیان دلایل وقوع حوادث نیز بپردازد. به‌طور نمونه وی برای نشان‌دادن ضدیت جنگلی‌ها با وثوق‌الدوله، عملاً به ناکارآمدی جنگلی‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد، جنگلی‌ها از ابتدای قیام خود تنها با وثوق‌الدوله مخالفت داشتند، اما زحمات آنان در مدت سه ساعت مذاکره با بلشویک‌ها بر باد رفت (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۵۲). وی با ارائهٔ این تحلیل علاوه بر دفاع از انگلستان، هر دو جریان یادشده را به زیر سؤال می‌برد و گاه تلاش می‌کند همچون روزنامه‌نگاری حرفه‌ای علاوه بر همراه کردن خواننده با خود، اهداف و آمال خود را بر خواننده تحمیل کند. وی در ظاهر دشمنی خود را با عثمانی و دیگر متحدانش آشکار نمی‌کند، اما با نشان‌دادن ناکارآمدی آنها و نقد شخصیت‌های کاریزماتیک کوچک‌خان دربارهٔ زبان‌های همراهی جنبش جنگل با عثمانی‌ها و بلشویک‌ها، مخاطب را به ضعف ساختاری جنبش آگاه می‌کند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۲۱). یکی از گزارش‌هایی که نشان‌دهندهٔ پیوند علی و معلولی یادداشت‌های یقیکیان است، تحلیل دلایل موفقیت‌های اقتصادی روس‌ها در گیلان است. وی می‌نویسد روس‌ها برای نفوذ در بازار ایران، کالاهای صنعتی خود را به نرخ پایینی وارد ایران کردند و در نتیجه توانستند در یک فرایند زمانی کوتاه انحصار بازار ایران را در اواخر عصر قاجار به دست آورند. آنها با این ابزار توانستند علاوه بر سلطهٔ سیاسی بر شمال ایران، در زمینهٔ اقتصادی نیز بی‌رقیب شوند. وی معتقد است آلمانی‌ها نیز با همین هدف وارد بازار ایران شدند، اما به جهت نبود پشتوانهٔ سیاسی موفق به تداوم حضور خود در ایران نشدند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۳، ۱۴) در ادامه وی معتقد است هر چند انقلاب روسیه موجب رشد

سوسیالیسم جهانی شد، برای اقتصاد گیلان حرکتی زیان‌بار بود (همان: ۱۴) تحلیل یقیکیان دربارهٔ نتایج قطع ارتباط اقتصادی بنادر شمالی کاسپین با گیلان کاملاً با واقعیت منطبق است؛ زیرا طی حکومت هفتاد ساله شوروی، تمامی ارتباط‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری‌های شوروی با گیلان قطع شد و اقتصاد گیلان که از این مسیر در ارتباط جهانی قرار می‌گرفت، منزوی شد.

نتیجه

یکی از نکاتی که موجب شده تا یادداشت‌های گریگور یقیکیان در بین آثار و خاطراتی که از جنبش جنگل باقی مانده است، متمایز شود، نخست توجه وی به تحولات هفده‌ماهه پایانی جنبش و ارائه گزارش مفصل در این زمینه است. علاوه بر نکات اشاره شده دقت یقیکیان در معرفی افراد، روایات، حوادث و سایر رویدادهایی که در دوره بحث شده از آن یاد می‌کند، موجب متمایز شدن اثر وی شده است. یقیکیان در شرح گزارش‌های دقیق خود از روند وقایع با استفاده از اسناد و نامه‌های محرمانه‌ای که به آنها دسترسی داشته، کتاب خود را مستند می‌کند. یقیکیان تا آنجا که توانسته است از بیرون به جمهوری شورایی گیلان نگاه کرده است. این مسئله موجب شده تا کمتر گرفتار مصیبت قضاوت قرار گیرد، هرچند جانبداری از سیاست انگلستان و نفی دولت‌های محور به وضوح در یادداشت‌های وی دیده می‌شود. یقیکیان به علت حضور و زندگی در رشت توانسته است زدوخوردهایی را که میان قوای دولتی و قوای سرخ در شهر روی می‌دهد، با احاطه کامل به تصویر کشد. او نسبت به سایر نویسندگان جنبش جنگل اطلاعات کامل‌تری از اوضاع و احوال و رنج و ستمی که مردم رشت و انزلی در آن زمان متحمل شدند، در کتاب خود گزارش کرده است. هرچند کتاب او از ایرادات و اشکالات خالی نیست، از ارزش آن نمی‌کاهد. این کتاب چون مبنای بحث خود را از زمان ورود بلشویک‌ها به گیلان قرار داده است، نگاه دقیق‌تری بر ارتباطات و مناسبات حکومت شورایی گیلان با سران و نمایندگان شوروی و دیگر فعالان سیاسی آن دوره دارد. به نظر می‌رسد دو عامل موجب امتیاز این اثر در مقایسه با آثار مهم جنبش جنگل نظیر سردار جنگل فخرایی و دیگران شده است. نخست اینکه یقیکیان بسیاری از نوشته‌های خود را به طور هم‌زمان یا اندکی پس از آن منتشر می‌کرد و دوم اینکه به جهت حرفه روزنامه‌نگاری، به فنون نگارش به‌خوبی آگاه بود و با توجه به ارتباط با بسیاری از فعالان جنبش گزارش‌های دست اول را دست‌چین کرده و براساس صحیح‌ترین روایت گزارش‌های خود را تنظیم کرده است.

کتاب‌شناخت

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳) *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات پیام.
- آلیانی، شاپور (۱۳۷۵) *نهضت جنگل و معین‌الرعا یا (حسن‌خان آلیانی)*، با همکاری علی رفیعی جبردهی، تهران: میشا.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۲) *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، مترجم: احمد گل محمدی، تهران: انتشارات نی.
- بحرالعلوم قزوینی، سیدمحمد (۱۳۹۶) *تاریخچه جنگلیان*، به کوشش: مهدی نورمحمدی، تهران: نشر نامک.
- بشری، محمد (۱۳۷۳) *کتاب کادوس*، تهران: انتشارات معلم.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۷) *تاریخ احزاب سیاسی ایران*، جلد ۱، تهران: کتاب جیبی.
- موسی پرستیس، موسی (۱۳۷۹) *پلشویک‌ها و نهضت جنگل*، مترجم: حمید احمدی، تهران: شیرازه.
- پناهی، عباس (۱۳۹۳)، «تأثیر قفقازی‌ها و سوسیال دمکرات‌ها بر مشروطه گیلان و آذربایجان»، مجموعه مقالات همایش مجاهدان تبریز (یکصدمین سالگرد درگذشت ستارخان سردار ملی)، به کوشش: عباس قدیمی قیداری، تبریز: انتشارات ستوده.
- _____ (۱۳۹۴) «تجزیه و تحلیل تاریخ‌نگاری جنبش جنگل»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش نهضت جنگل بر تحولات فکری و اجتماعی تاریخ معاصر، به کوشش: عباس پناهی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- _____ (۱۳۹۶) *مآخذشناسی تحلیلی توصیفی جنبش جنگل*، رشت: دانشگاه گیلان.
- ترمیناسیان، آناهید (۱۳۷۱) *انقلاب ۱۹۰۵ در قفقاز*، مترجم: کاوه بیات، تهران: پروین.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳) «جایگاه نهضت جنگل در تاریخ محلی گیلان»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش نهضت جنگل بر تحولات فکری و اجتماعی تاریخ معاصر ایران، به کوشش: عباس پناهی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۸) «بینش و روش تاریخ‌نگاری عتبی»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء، دوره جدید، سال ۱۹، شماره ۳، پیاپی ۸۰.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۹۵) «گریگور یقیکیان»؛ گزارشی در سوسیال دموکراسی ایران ۱۳۲۷-۱۲۸۹ه.ش، تهران: شیرازه.
- دلیر، نیره (۱۳۹۴) «پیامدهای روابط میرزا کوچک‌خان جنگلی با کمونیست‌های شوروی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش نهضت جنگل بر تحولات فکری و اجتماعی تاریخ معاصر، به کوشش: عباس پناهی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- دنسترویل، لایونل چارلز (۱۳۶۲) *خاطرات ژنرال دنسترویل (سرکوبگر جنگل)*، مترجم: حسین انصاری و علی دهباشی، تهران: فرزانه.
- رنجبر، محمود (۱۳۹۳) «فخرایی تاریخ‌نگار مشروطه گیلان»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مشروطه گیلان، به کوشش: عباس پناهی، رشت: نشر فرهنگ ایلینا.

۶۰ / روش و بینش تاریخ‌نگاری گریگور بقیکیان در کتاب شوروی و جنبش جنگل / عباس پناهی

- رضائی، بهنام (۱۳۹۷) کتاب‌شناسی توصیفی نهضت جنگل، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۶) نهضت میرزا کوچک خان و اولین جمهوری شورایی در ایران، تهران: انتشارات شمع.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۸۷) نویسندگان پیشرو ایران، تهران: انتشارات نگاه.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۹۷) «یادداشت‌های شادروان جهانگیر سرتیپ‌پور»، دوماهنامه فرهنگی، هنری و پژوهشی گیله‌وا، سال ۲۶، شماره ۱۵۰، اسفند- اردیبهشت.
- سلطان‌زاده، آوتیس (۱۳۸۳) *انکشاف اقتصادی ایران و امپریالیسم انگلستان*، مترجم: ف. کوشا، تهران: نشر مازیار.
- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۳) «نگاهی انتقادی به مهم‌ترین منابع و مأخذ جنبش جنگل»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش نهضت جنگل بر تحولات فکری و اجتماعی تاریخ معاصر ایران، به کوشش: دکتر عباس پناهی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴) *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی*، تهران: اختران.
- _____ (۱۳۸۶) *میلاذ زخم*، مترجم: شهریار شاکری، تهران: اختران.
- شهرستانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱) *گائوک* (افسر آلمانی در ارتش نهضت جنگل)، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- صبوری دیلمی، محمد حسین (۱۳۹۴) *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*، به کوشش: افشین پرتو، رشت: فرهنگ ایلیا.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳) *تاریخ جراید و مجلات ایران*، جلد اول، اصفهان: کمال.
- طالبی، فرامرز (۱۳۸۵) *ارمنیان گیلان*، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- طباطبایی، محیط (۱۳۶۶) *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، [بی‌جا]: بعثت.
- عمواوغلی، حیدرخان (۱۳۹۸) *خاطرات حیدرخان عمواوغلی*، به کوشش: ناصرالدین حسن‌زاده، تهران: نشر نامک.
- عظیمی دوبخشری، ناصر (۱۳۹۴) *روایتی نواز جنبش و انقلاب جنگل*، تهران: انتشارات ژرف.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴) *سردار جنگل*، تهران: انتشارات جاویدان.
- _____ (۱۳۵۵) *گیلان در گذرگاه زمان*، تهران: انتشارات جاویدان.
- _____ (۱۳۵۷) *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران: فراکلین.
- کسمایی، احمد (۱۳۸۲) *یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل*، گردآوری و تصحیح: منوچهر هدایتی، رشت: کتیبه گیل.
- گنیس، ولادیمیر (۱۳۸۵) *بلشویک‌ها در گیلان*، مترجم: جعفر مهرداد، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱) *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: گیلکان.
- مانوکیان، آری (۱۳۸۳) *کتاب حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه*، تهران: رامرنگ.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۲۹، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ / ۶۱

مکی، حسین (۱۳۶۳) تاریخ بیست‌ساله ایران، جلد ۱، تهران: ناشر.
ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی.
واساکونی، و (۱۳۹۷) «یک سال در گیلان» (تحولات سیاسی سال ۱۹۱۹)، مترجم: روبرت واهانیان و مسعود حقانی، دوماهنامه فرهنگی، هنری و پژوهشی گیله‌وا، سال بیست و هفتم، شماره ۱۵۲، مرداد-شهریور.
هویان، آندرانیک (۱۳۸۰) ارمنیان ایران، تهران: انتشارات مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها با همکاری انتشارات هرمس.
یقیکیان، گریگور (۱۳۶۳) شوروی و جنبش جنگل، به کوشش: برزویه دهگان، تهران: انتشارات نوین.
_____ (۱۳۲۲) ایران کنونی، شماره ۲۹ سال ۹.



List of sources with English handwriting

- Ādamīāt, Fereydūn (1363 Š.), *Fikr-e Demokrāsī-ye Ejtemā'ī dar Nihzat-e Mašrūtiāt-e Īrān*, Tehran: Entišārāt-e Payām. [In Persian]
- Ālīānī, Šāhpūr (1375 Š.), *Nihzat-e jangal va Mo't al-Ruāyā (Ḥasan kān Ālīānī)*, with PTR Ālī Rafī'ī Jūrdahī, Tehran: Mīšā. [In Persian]
- 'Amū Ogī, Ḥiydar kān (1398 Š.), *kātirāt-e Ḥiydar kān 'Amū Ogī*, Edited by Nāšir al-Din Ḥasanzada, Tehran: Nāmak. [In Persian]
- 'Azīmī Dobakšārī, Nāšir (1394 Š.), *Rivāyatī No az jonbiš va Enqilāb-e jangal*, Tehran: Zarf. [In Persian]
- Bahār, Moḥammad Taqī (1357 Š.), *Tārīk-e Aḥzāb-e Sīāsīye Īrān*, Vol. 1, Tehran: Kitāb-e jībī. [In Persian]
- Bahr al-'Olūm Qazvīnī, Sayyed Moḥammad (1396 Š.), *Tārīkča jangalīān*, Edited by Mahdī Nūrmoḥammadī, Tehran: Nāmak. [In Persian]
- Bašri, Moḥammad (1371 Š.), *Kitāba Kādūs*, Tehran: Mo'alim.
- Dalīr, Nayira (1394 Š.), "Payāmadhā-ye Ravābit-e Mīrzā Kūčak kān-e jangalī bā Komonīsthā-ye Šoravī", *Majmū'a Maqālāt-e Hamāyīš-e Millī-e Naqšī Nihzati jangal bar Tahavolāt-e Fikrī va Ejtīmā 'īye Tārīk-e Mo'āšir*, Edited by 'Abbās Panāhī, Rašt: Entišārāt-e Dānišgāh-e Gīlān. [In Persian]
- Faḵrānī, Ebrāhīm (1355 Š.), *Gīlān dar Goḍargāh-e Zamān*, Tehran: jāvidān. [In Persian]
- Faḵrānī, Ebrāhīm (1357 Š.), *Gīlān dar jonbiši Mašrūtiāt*, Tehran: Franklin. [In Persian]
- Faḵrānī, Ebrāhīm (1354 Š.), *Sardār-e jangal*, Tehran: jāvidān. [In Persian]
- Gīlak, Moḥammad 'Alī (1371 Š.), *Tārīk-e Enqilāb-e jangal*, Rašt: Gīlakān. [In Persian]
- Ḥasanābādī, Abulfazl (1393 Š.), "jāygāhi Nihzati jangal dar Tārīk-e Maḥallī-e Gīlān", *Majmū'a Maqālāt-e Hamāyīš-e Millī-e Naqšī Nihzati jangal bar Tahavolāt-e Fikrī va Ejtīmā 'īye Tārīk-e Mo'āšir*, Edited by 'Abbās Panāhī, Rašt: Entišārāt-e Dānišgāh-e Gīlān. [In Persian]
- Ḥasanzada, Esmā'il (1388 Š.), "Bīniš va Raviš-e Tārīknigārī 'Otbī", *Faslnama 'Elmī va Pejūhešī Tārīknigārī va Tārīknigārī Dānišgāh-e Al-Zahrā*, 19, no. 3 (80). [In Persian]
- Kasmānī, Aḥmad (1382 Š.), *Yāddāsthā-ye Aḥmad Kasmānī az Nihzat-e jangal*, Edited by Manūčīhr Hidāyatī, Rašt: Katība Gīl. [In Persian]
- Ḳosropanāh, Moḥammad Ḥossien (1395 Š.), *Qerīqūr Yeḡikīān: Gozārīšī dar Sosīāl Dimokrāsīye Īrān 1289-1327 Š.*, Tehran: Širaza. [In Persian]
- Makkī, Ḥossein (1363 Š.), *Tārīk-e Bīst Sāla-ye Īrān*, Vol. 1, Tehran: Nāšir. [In Persian]
- Malikzada, Mahdī (1363 Š.), *Tārīk-e Enqelāb-e Yeḡikīān*, Qerīqūr tiāt-e Īrān, Tehran: 'Elmī. [In Persian]
- Mānūkīān, Ārpī (1383 Š.), *Kitāb-e Ḥizb-e Dāšnāk va jaryān-e Nihzat-e Mašrūta*, Tehran: Tāmraḡ. [In Persian]
- Panāhī, 'Abbās (1396 Š.), *Maḳaḍšināsī-ye Tahllīlī Tošīftī-ye jonbiši jangal*, Rašt: Dānišgāha Gīlān. [In Persian]
- Panāhī, 'Abbās (1394 Š.), *Tājzīya va Tahllīl-e Tārknegārī-ye jonbiši jangal*", *Majmū'a Maqālāt-e Hamāyīš-e Millī-e Naqšī Nihzati jangal bar Tahavolāt-e Fikrī va Ejtīmā 'īye Tārīk-e Mo'āšir*, Edited by 'Abbās Panāhī, Rašt: Entišārāt-e Dānišgāh-e Gīlān. [In Persian]
- Panāhī, 'Abbās (1393 Š.), "Taḡīr-e Qafqāzī-hā va Sosīāl Domokrāthā bar Mašrūta-ye Gīlān va Āḡarbāijān", *Majmū'a Maqālāt-e Hamāyīš-e Moḡāhidān-e Tabrīz*, Edited by 'Abbas Qadīmī Qidārī, Tabrīz: Soṡūda. [In Persian]
- Ramazānī, Bihnām (1397 Š.), *Kitābšināsī Tošīftī-ye Nihzat-e jangal*, Rašt: Našr-e Farhang-e Īlīyā. [In Persian]
- Raḡjbar, Maḡmūd (1393 Š.), "Faḵrānī Tārīknigār-e Mašrūta-ye Īrān", *Majmū'a Maqālāt-e Naḡost Hamāyīš-e Millī-e Mašrūta-ye Gīlān*, Edited by Abbās Panāhī, Rašt: Našr-e Farhang-e Īlīyā. [In Persian]
- Ravāsānī, Sāpūr (1366 Š.), *Nihzat-e Mīrzā Kūčak kān va Avvalīn jomhūrī-ye Šorāvī dar Īrān*, Tehran: Šam'a. [In Persian]

- Sartīppūr, Jahāngīr (1397 Š.), “Yāddāsthā-ye Šādravān Jahāngīr Sartīppūr”, *Gīlavā*, 26, No, 150, (Esfand- Ordībihīšt). [In Persian]
- Sīpānlū, Moḥammad ‘Alī (1387 Š.), *Nivīsandigān-e Pīšru-e Īrān*, Tehran: Nigāh. [In Persian]
- Soltānān, Ābūṭālib (1393 Š.), “Nigāhī Entiqādī ba Mohimtarīn Manābi’ va Maākīd-e jonbiš-e jangal”, *Maǰmū’a Maqālāt-e Hamāyiš-e Millī-e Naqšī Nihzati jangal bar Taḥavolāt-e Fikrī va Eǰtimā’ī-ye Tārīk-e Mo’āšir*, Edited by ‘Abbās Panāhī, Rašt: Enti s ar at-e Dānišgāh-e Gīlān. [In Persian]
- Soltānzada, Avetis (1383), Enkišāf-e Eqtišādī-ye Īrān va Ampirīālism-e Engilistān, Translated by F. Kūšā, Tehran: Našr-e Māzīār. [In Persian]
- Šahristānī, Nīmat allāh (1391 Š.), *Gāok (Afsa-e ālmānī dar Artiš-e Nihzat-e jangal)*, Rašt: Entišārāt-e Dānišgāh-e Gīlān. [In Persian]
- Šākīrī, ḳosro (1384 Š.), *Pišīna-hā-ye Eqtišādī-Eǰtimā’ī-ye jonbiš-e Mašrūfiāt va Enkišāf-e Sosīāl Dimokrāsī*, Tehran: Aǰtarān. [In Persian]
- Šabūrī Dailamī, Moḥammad Ḥossein (1394 Š.), *Nigāhī az Darūn bi Enqilāb-e Mosalahāni-ye jangal*, Edited by Afšīn Parto, Rašt: Našr-e Farhang-e Īliyā. [In Persian]
- Šadr Hāšimī, Moḥammad (1363 Š.), *Tārīk-e jarāyid va Maǰalāt-e Īrān*, Vol. 1, Isfahan: Kamāl. [In Persian]
- Ṭālibī, Farāmarz (1385 Š.), *Armaniān-e Gīlān*, Rašt: Našr-e Farhang-e Īliyā. [In Persian]
- Ṭabātabāī, Mohīt (1366 Š.), *Tārīk-e Tahllī-ye Maṭbūāt-e Īrān*, Bi’tat. [In Persian]
- Vāsākūnī, V. (1397 Š.), “Yik Sāl dar Gīlān, Taḥavolāt-e Sīāsī-ye Sāl-e 1919”, translated by Robert Vāhānīān & Mas’ūd Ḥaqānī, *Gīlava*, 27, No. 152, Mordād, ahrīvar. [In Persian]
- Hovīān, Andrānīk (1380 Š.), *Armaniān-e Īrān*, Tehran: Entišārāt-e Markaz-e Goftigūye Tamadonhā & Hermes. [In Persian]
- Yeǰīkīān, Qerīqūr (1322 Š.), *Īrān-e Konūnī*, No. 29, 9. [In Persian]
- Yeǰīkīān, Qerīqūr (1363 Š.), *Šoravī va jonbiš-e jangal*, Edited by Borzūye Dihgān, Tehran: Novīn. [In Persian]

References in English and French

- Cosroe, Chaqeri (1995), *The Soviet Socialist Republic of Iran, 1920-1921: Birth of the Trauma (Series in Russian and East European Studies)*, Universit of Pittsburg Press.
- Dunsterville, Lionel Charles (1920), *Adventures of Dunsterforce*, London.
- Genis, V. L. (1999), “Les bolcheviks au Guilan: La chute du gouvernement de Koutchek Khan (juin-juillet 1920)”, *Cahiers du monde russe* 40/3.
- Stanford, Michael (1998), *An Introduction to the Philosophy of History*, UK: John Wiley and Sons.
- Ter Minassian, Anahid (1989), *The Revolution of 1905 in Transcaucasian*, Armenian Review.
- Persits, Moisei Aronovich (1999), *A Shamefaced intervention: the soviet intervention in Iran 1920 -1921*, Moscow: Russian Center for Strategic Research and International Studies.

Gregory Yeghikian's Historiographical Method and Standpoint in the Soviet Union and Jangal (Jungle) Movement¹

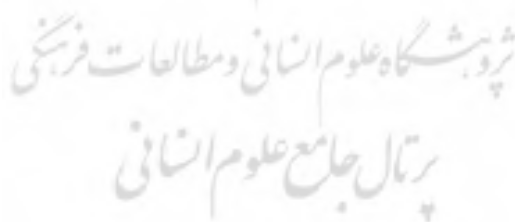
Abbas Panahi²

Received: 2019/12/07
Accepted: 2020/08/24

Abstract

According to methods and standpoints, most accounts written by Jangali warriors or eyewitnesses to this movement are categorized as those supporting or rejecting the movement. Yeghikian, however, gives a narrative, both accurate and informed, of the movement from a bird's eye view. He emphasizes the Soviet Union of Guilan and chronicles the movement. He employing a scientific method that is both rigorous and disinterested. However, there are overt signs of tilting towards the British and criticizing the Ottomans and Axis powers in his book. The research question is: What is Yeghikian's approach to the historical development of the movement from the perspective of historiographical method and standpoint? The findings indicate that the account he provides is more documented than those presented by other historians. This stems from his association with a diverse range of warriors involved in the movement and having access to confidential documents. The desk method is employed in the study. The analytical-critical approach in historiography is applied to *The Soviet Union and Jangal (Jungle) Movement* and other works by Yeghikian revolving around this topic.

Keywords: Method, Outlook, Historiography, Jangal (Jungle) Movement, Guilan, Yeghikian



1. DOI: 10.22051/HPH.2020.28981.1404

2. Associate Professor, Guilan Study Institute, University Of Guilan, Rasht-Iran, Email: apanahi@guilan.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507